

تربیت نوجوانان

هاجر بهادران

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

یکی از نکات بسیار اساسی و مهم در فرایند آموزش، داشتن برداشت صحیح از مفهوم تعلیم و تربیت است که در حقیقت برای تمامی مجریان آموزش و پرورش امری ضروری محسوب می‌شود. تربیت، که یکی از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ و تمدن بشری است، همواره با دین^۱ پیوندی انکارناپذیر داشته است. یکی از جنبه‌های تربیت انسان، توجه به پرورش بعد معنوی یا تربیت دینی اوست. وقتی تربیت براساس دین بنا شود و با اعتقاد و اخلاق مذهبی هم‌ریشه گردد، می‌تواند تربیتی جامع و کامل شود و چنین تربیت‌کننده‌ای می‌تواند جامعه را به سوی کمالات انسانی سوق دهد و افراد جامعه را از هلاک شدن و فرو رفتن در انحرافات اخلاقی و فساد اجتماعی نجات دهد و جامعه‌ای را به وجود آورد که الگوی بشریت و جوامع دیگر قرار گیرد.

◀ کلیدواژه‌ها: نوجوان، معنویت، تربیت، دین.

مفهوم تربیت دینی

تعلیم و تربیت دینی از جایگاه والایی برخوردار است؛ چراکه نیل به این مقصد به هر طریق درستی که صورت گیرد، چه در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه از رهگذر معلمان و استادان و چه در مجالس و محافل مذهبی، ادامه رسالت انبیا در دوران مدرنیسم است. دوران حاضر بیش از هر زمان دیگری شاهد تشنگی دل‌های پاک در سطوح گوناگون سنی، تحصیلی و اجتماعی برای شنیدن حقایق آسمانی است.

قرآن کریم آموزش و پرورش دینی را هدف پیامبران می‌شمارد و می‌فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولا من أنفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و إن كانوا من قبل لفی ضلال مبین» (آل عمران، ۱۶۴)؛ یعنی: خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که در بین آن‌ها رسولی از خودشان برانگیخت که بر آن‌ها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آرایش پاک گرداند و به آن‌ها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش‌تر گمراهی آن‌ها آشکار بود.» (ساجدی، ۱۳۸۶).

تربیت دینی به منزله یک ترکیب می‌تواند بر دو معنا دلالت کند. الف) تربیتی که منسوب به دین است؛ یعنی تربیتی که محتوای خود را از دین می‌گیرد. در مقابل تربیتی که محتوای

خود را از غیر دین مثلاً از تجربه و عقل و علم بشری می‌گیرد. (ب) تربیتی که برای دین است؛ یعنی تربیتی که در خدمت اهداف دین است، خواه محتوای آن از دین برگرفته باشد یا نباشد. البته بیشتر کسانی که در این زمینه سخنی گفته یا مطلبی نوشته‌اند، تربیت دینی را به معنای دوم به کار برده‌اند (داوودی، ۱۳۸۸).

به عبارت دیگر، این تربیت بر اساس قوانین و دستوراتی صورت می‌پذیرد که به پیامبر وحی می‌شود و هدف آن، رشد و تعالی انسان‌هاست (تصدیقی، ۱۳۸۸).

در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز سعی بر آن است که تربیت دانش‌آموزان ماهیت دینی داشته باشد (باقری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۸۳). به این معنا که کودکان و نوجوانان را با وظایف و شرایط آشنا سازد، مبانی اعتقادی را در آن‌ها رشد دهد، آن‌ها را پایبند به اصول و عامل به شرع بار آورد و فطرت الهی و انسانی آنان را بارور سازد (احمدی، ۱۳۸۴). همچنین «تربیت دینی اصطلاحاً به مفهوم جنبه‌ای از فرایند تعلیم و تربیت ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی مرتب از لحاظ التزام به دینی معین است و به عبارت دیگر، رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی را برای تحقق شخصیتی متدین در نظر دارد» (کیومرثی، ۱۳۸۶).

ضرورت تربیت دینی

آموزش و پرورش هر کشور، آینه تمام‌نمای فرهنگ، ارزش‌ها و میراث تربیتی آن کشور تلقی می‌گردد و شاخص عمده و برجسته یک نظام تعلیم و تربیت، میزان دستیابی به آرمان‌های بلند و اهداف متعالی فرهنگ خویش است. بنابراین، هدف عالی و غایی نظام آموزش و پرورش یک کشور قبل از هر چیز تربیت انسان‌هایی است که در شکل‌دهی و تحقق بخشی به این اهداف، مشارکتی فعال و خلاق داشته باشند (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۵۷-۲۵۶).

همه ما به اهمیت و ضرورت تربیت دینی واقفیم و بر این باوریم که اگر افراد جامعه زندگی خود را بر مدار دین و خداآوری معنا کنند، سلامت و سعادت جامعه در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تضمین می‌شود (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۱).

«نکته بسیار مهم در اهمیت و ضرورت تربیت دینی آن است که اگر رشد و تقویت حس دینی و اخلاقی را از جامعه‌ای حذف کنیم، جامعه انسانی به جامعه حیوانی تبدیل خواهد شد و در چنین وضعی ملکات اخلاقی و انسانی، عواطف و فضایل والا از میان خواهد رفت و رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی به سوی هرج و مرج و تزلزل حرکت خواهد کرد» (سعادت‌مند، ۱۳۸۴: ۴۱).

جایگاه دوره نوجوانی در بین عوامل مؤثر در تربیت دینی

عوامل متعددی بر تربیت دینی تأثیر می‌گذارند؛ از جمله: ۱- عوامل فوق طبیعی: امدادهای الهی، اخلاص‌های شیطانی؛ ۲- عوامل درونی: فطرت الهی، دانش‌های ارثی، دوره سنی، سیر در آفاق و انفس، تفکر و تدبیر و تعقل و استدلال؛ ۳- عوامل بیرونی شامل الف. محیط انسانی: خانه، مدرسه، دوستان و هم‌سالان، وسایل ارتباط جمعی، مؤسسات فرهنگی و محیط کار ب. محیط طبیعی.

همان‌طور که ملاحظه شد، یکی از عوامل مؤثر در تربیت دینی دوره سنی است. از بین کلیه دوره‌های سنی انسان، دوره نوجوانی و جوانی، به دلیل ویژگی‌ها و شرایط خاص خود می‌تواند آستان آسیب‌ها و بحران‌های متعددی در نزد نوجوانان و جوانان باشد. بحران‌هایی که فکر و ذهن نوجوان و جوان را به خود مشغول می‌کند و باعث تقویت، تضعیف و تغییر گرایش‌ها و اعتقادات او می‌گردد. بحران‌هایی مانند بحران کنجکاو، شک و تردیدهای مذهبی، گرایش به الگوپذیری از الگوهای واقعی یا غیرواقعی، از مهم‌ترین بحران‌های این دوره است. ظهور و بروز این بحران‌ها در نزد نوجوان و جوان نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این دوره و نقش حساس مربیان (والدین و معلمان) در فرایند تربیت دینی جوانان و نوجوانان است (همت بناری، ۱۳۸۰).

آسیب‌پذیری دوره نوجوانی

یکی از روحیات پرارزش بشری، که نتیجه حق‌طلبی و فضیلت‌خواهی محسوب می‌شود، «دین‌گرایی» است. این روحیه در آغاز جوانی به شدت فعال می‌شود و رشد می‌کند و اگر به آن بها داده نشود، سرکوب و منحرف خواهد شد. فطرت و خلقت انسان بر اساس دین‌خواهی و خداجویی است و به همراه دیگر نیروهای بشری در جوانی به اوج رشد و شکوفایی خود می‌رسد.

احساس نوگرایی و نشاط جوانی نباید به خود باختگی فرهنگی سوق داده شود بلکه باید در کنار شور و نشاط، هویت ملی و فرهنگی خود را حفظ کند و پا را از حدود و حریم ارزش‌های اخلاقی فراتر نگذارد (جعفری‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۴۵). در این دوره، گرایش عمیقی نسبت به مذهب و انجام اعمال مذهبی در فرد ایجاد و تقویت می‌شود. نوجوان و جوان در این مرحله تمایل دارد که اعمال مذهبی خود را با وسواس و دقت بیشتری انجام دهد؛ به طوری که در بعضی مواقع بیشترین سختی‌ها را تحمل می‌کند. نوجوان در این دوره به اعمال مذهبی به دیده یک ارزش می‌نگرد؛ ارزشی که در نحوه پندار، گفتار و کردار او بسیار تأثیر دارد.

یکی از ویژگی‌های نوجوان و جوان در این دوره سنی، ظهور و شدت یافتن کنجکاو در اوست. نوجوان و جوان در این دوره علاقه زیادی به کنجکاو نسبت به پیرامون خود و اتفاقاتی که در اطراف او می‌افتد، دارد. نوجوان با چراهای فراوانی مواجه

یکی از روحیات

پرارزش بشری، که

نتیجه حق‌طلبی و

فضیلت‌خواهی

محسوب می‌شود،

«دین‌گرایی» است.

این روحیه در آغاز

جوانی به شدت

فعال می‌شود و رشد

می‌کند و اگر به

آن بها داده نشود،

سرکوب و منحرف

خواهد شد





می‌شوند؛ زیرا نوجوان یا جوان شناخت کاملی از مسائل دینی ندارد و قادر نیست خود را قانع کند. لذا برای برطرف کردن سؤالات شرعی خود ممکن است به افراد ناصالح، افراطی و کجرو و بی‌اطلاع رجوع کند، در این صورت ممکن است او از لامذهبی و بی‌بندوباری و بی‌خدایی سر در آورد و روح پاک و بی‌آلایش او به انحرافات اخلاقی و حتی به انحرافات دینی دچار شود» (به نقل از اکبری، ۱۳۸۷: ۳۴۹-۳۴۸).

با توجه به همین کنجکاوی‌ها و شکایات مذهبی نوجوانان و جوانان، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین و متصدیان تربیتی نمود پیدا می‌کند و آن این است که والدین به نوجوان و شکایات او به دیده احترام بنگرند و سعی کنند با او برخورد صحیح و شایسته داشته باشند. والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که هر فردی، اعم از نوجوان یا جوان، ارزش‌های معین و منحصر به فردی دارد که افکار و احساسات و رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فلانگان می‌گوید: «پس نیاز است که والدین این ارزش‌ها را بشناسند و بکوشند با تقویت آن‌ها نوجوان و جوان خود را در مسیر صحیح و سازنده هدایت کنند».



غریزه کنجکاوی و نوجوان و گرایش عمیق او به مذهب و اعمال مذهبی، سؤالات گوناگونی را نسبت به دین و معارف دینی در ذهن او پدید می‌آورد. سؤالاتی که ندادن جواب منطقی و قانع‌کننده به آن‌ها باعث می‌شود فرد به مشکلات جسمی و روحی فراوانی دچار گردد

می‌شود. از این رو می‌کوشد در خصوص مسائل و اتفاقات محیط پیرامون خود سؤالات متعدد و متنوعی را با اطرافیان مطرح کند. از مهم‌ترین سؤالات و کنجکاوی‌های نوجوان و جوان در این دوره، مواردی است که مذهب پاسخ‌گوی آنهاست. غریزه کنجکاوی نوجوان و گرایش عمیق او به مذهب و اعمال مذهبی سؤالات گوناگونی را نسبت به دین و معارف دینی در ذهن او پدید می‌آورد. سؤالاتی که ندادن جواب منطقی و قانع‌کننده به آن‌ها باعث می‌شود فرد به مشکلات جسمی و روحی فراوانی دچار گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، نقش عوامل غیرشخصی، نظیر خانواده، نظام آموزشی، دوستان و هم‌سالان و محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیش از پیش آشکار و حساس می‌گردد. اگر عوامل یادشده بتوانند زمینه‌ای را فراهم آورند که نوجوان به دور از هرگونه ترس و وحشت، راجع به مسائل دینی و مذهبی فکر کند و سؤالات متفاوت و متعددی را که به ذهنش می‌رسد با اطرافیان مطرح کند و اطرافیان نیز متناسب با موقعیت و شرایط زمانی و مکانی او جواب‌های منطقی و قابل قبولی به سؤالات او بدهند، این کنجکاوی نوجوان زمینه‌ساز رشد و توسعه احساسات و گرایش‌های مذهبی او خواهد شد. ولی اگر زمینه‌ها و شرایط شکوفایی غریزه کنجکاوی در او فراهم نگردد و او نتواند سؤالات گوناگون مذهبی خود را مطرح کند یا شکایات خود را ابراز نماید، باید به موفقیت در جریان تربیت دینی نوجوان شک و تردید کرد (اعتباریان، ۱۳۸۱).

یکی دیگر از ویژگی‌های نوجوانان و جوانان در این مرحله سنی «پیدایش شک و تردیدهای مذهبی» است. شک و تردید نسبت به اعتقادات شخصی خویش، شک و تردید نسبت به معارف و شناخت خود نسبت به خدا، شک و تردید نسبت به دانش و علم خود نسبت به پیامبران و... از مهم‌ترین شک‌های مذهبی این دوره نزد نوجوانان و جوانان است. دلیل اصلی این شک و تردیدها این است که نوجوان می‌خواهد نسبت به صحت و سقم آن‌ها اعتقاد و اطمینان پیدا کند. نوجوان در این دوره از زندگی خود می‌خواهد نسبت به دستاوردهای دوره قبلی خود (کودکی) با دلیل و برهان برخورد کند و آن‌ها را از طریق عقل و منطق بپذیرد.

جوان در این دوره می‌خواهد به درک این نکته نائل گردد که آیا اعتقادات و معارف دوران کودکی او نسبت به خدا و پیامبر و... متناسب با عقل و منطق است یا خیر. هدف نوجوان و جوان از این کنجکاوی، افزایش علم و معرفت خود نسبت به اعتقادات مذهبی و استفاده از آن‌ها در جریان رفتارها و عملکردهای مذهبی است. سوانسون و هیل (۱۹۹۳) در این باره خاطر نشان نموده‌اند که آگاهی نوجوان از شناخت‌های اخلاقی خود شرط اساسی و لازم استفاده از استدلال اخلاقی در جریان عملکرد اخلاقی اوست (اعتباریان، ۱۳۸۱).

نوجوان در این دوره سنی نمی‌تواند شک خود را به راحتی با دیگران مطرح کند؛ زیرا پیش‌بینی می‌کند که ممکن است به او نسبت کفر و بی‌دینی بدهند. مشکلات دینی از همین جا آغاز



یکی دیگر از مهم ترین وظایف والدین و مربیان در این دوره این است که به دور از هر گونه برخورد احساسی با سؤالات و شکایات مذهبی نوجوانان و جوانان، شرایط و زمینه‌های مساعد محیطی را فراهم سازند تا آن‌ها بتوانند در پناه آن برای سؤالات و شکایات خود پاسخ منطقی و مناسب دریافت کنند. اگر این شرایط و زمینه‌ها فراهم نگردند و نوجوان از ترس انگ التقاط و بی‌دینی نتواند شکایات مذهبی خود را ابراز کند، ممکن است بر شکایات مذهبی خود باقی بماند و همین باقی ماندن بر شکایات مذهبی تربیت دینی وی را آسیب‌پذیر می‌کند (اعتباریان، ۱۳۸۱).

سادتی (۱۳۷۴) نیز مهم ترین عوامل شخصی (فردی) تأثیرگذار بر آسیب‌پذیری تربیت دینی نوجوانان را این گونه بیان می‌کند: ۱. ناآگاهی یا اطلاعات ناکافی نسبت به اهمیت و نقش دین در زندگی، ۲. وجود تصورات نادرست نسبت به دین، ۳. شک و تردید نسبت به مبانی و اصول دین، ۴. سستی و تنبلی خود نوجوان نسبت به افزایش اطلاعات مذهبی و دینی، ۵. فقدان روحیه مقاومت و یا ضعف اراده در برخورد با دوستانه که افراد مذهبی را به تمسخر می‌گیرند، ۶. بی‌اطلاعی نسبت به فرهنگ غنی اسلام و گرایش به فرهنگ غرب که این خود، گرایش‌های دینی را کم‌رنگ می‌کند (سادتی، ۱۳۷۴).

نوجوانان به تدریج تفکر انضمامی خود را به تفکر صوری و انتزاعی تبدیل می‌کنند و از مرحله هوش عملی وارد هوش نظری می‌شوند



نوجوانی و ویژگی‌های آن از زمینه‌های اساسی قابل طرح در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدارس است. نوجوانی آیام بیدار شدن عواطف و شکفته شدن احساسات است. نوجوان، به لحاظ عاطفی بالغ، به لحاظ تجربی محدود، به لحاظ جسمی در حال رشد و از جهت فرهنگی تحت تأثیر محیط است. او احساس می‌کند همه چیز را می‌فهمد؛ در حالی که چنین نیست. هم بزرگ است و هم کوچک؛ هم بار کودکی بر دوش دارد هم سنگینی بار بزرگ‌سالی را حس می‌کند. او در رؤیا و تخیل زندگی می‌کند اما با واقعیت نیز، روبه‌رو است (جعفری و صحبت‌لو، ۱۳۸۸).

از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل نوجوان به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر (ص) واقع می‌شود که فرمودند: «آن‌ها قلبی فضیلت پذیر تر و دلی رقیق تر و حساس تر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشمارت دهم و از عذابش برترانم. جوانان و نوجوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند ولی پیران از دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند» (شرفی، ۱۳۸۶: ۳۲۹-۳۲۸).

از بعد عاطفی، نوجوانی دوره طوفان و فشار و تنش عاطفی است. خوشبختی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌ها از عواطف و احساسات نوجوان سرچشمه می‌گیرند. عمده‌ترین خصایص رفتار اجتماعی نوجوان، به لحاظ اجتماعی شامل این موارد است: قهرمان پرور است و به افراد مهم و مورد ستایش علاقه دارد، تمایل به استقلال خانوادگی دارد، علاقه‌مند به پذیرش مسئولیت است، علاقه‌مند به دستیابی به مقام و منزلت بین سایر هم‌سالانش است، به برخی عقاید انتقاد دارد. خصایص عقلانی این دوره نیز عبارت‌اند از: ظهور آرمان‌های عالی، پیگیری اهداف شخصی و اجتماعی، رشد قوه تمیز تشخیص، علاقه‌مندی به مسائل اخلاقی و فلسفی، درگیری ذهنی پیوسته با مسائل گوناگون، تخیلی بودن، ظهور استعدادهاى خاص هنری، ظهور رغبت‌های شغلی و گسترش دامنه تجارب. همچنین، نوجوانان به تدریج تفکر انضمامی خود را به تفکر صوری و انتزاعی تبدیل می‌کنند و از مرحله هوش عملی وارد هوش نظری می‌شوند (به نقل از جعفری و صحبت‌لو، ۱۳۸۸).

برخی از عوامل تعلیم و تربیت که نهضت بازگشت به طبیعت را به وجود آوردند، مانند روسو، معتقدند که «در مرحله ۱۵ تا ۲۰ سالگی علاقه‌های مذهبی بر نوجوانان غلبه دارند». بلر و جونز، دو تن از روانشناسان غربی، می‌نویسند: نوجوان مایل است از نظر معرفت و شناخت خلأ موجود در زندگی‌اش را پر کند، لذا یک فلسفه ارضانکننده یا یک دسته عقاید متقن از نظر روانی به او امنیت و آرامش فکری می‌دهد. شواهد موجود نشان می‌دهد که در دوره نوجوانی مسائل مربوط به مذهب و احیاناً تغییر دادن آن و همچنین فعالیت‌های اصلی سیاسی به اوج قدرت می‌رسد.

استانالی هال، روان‌شناس آمریکایی، معتقد است که بین بحران و جهش ناگهانی احساسات مذهبی ارتباط وجود دارد. او



حداکثر این احساسات مذهبی را در ۱۵ و ۱۶ سالگی می‌داند و معتقد است که نوجوانان با گرایش به طرف دین و مذهب می‌خواهند تلاطم و ناراحتی‌های خود را تخفیف دهند. پیاژه روان‌شناس معروف سوسیسی، می‌گوید: مسائل، اکثر اوقات در دوره نوجوانی ارزش واقعی پیدا می‌کنند و در نظام‌های زندگی ادغام می‌شوند. اولوم معتقد است: یک نوجوان بدون زمینه مذهبی و دینی شبیه به کشتی بدون سکن است. گرایش‌های اخلاقی در یک نوجوان در کنار استعداد منفی‌گرایی و چرخش برای روی آوردن به سوی ضد ارزش‌ها وجود او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پاسخ نوجوان به هر یک از دو دسته گرایش موجب تقویت آن و تضعیف دیگری می‌شود (شرفی، ۱۳۸۶).

جوانان آگاه و با فرهنگ، آرامش روح را در زندگی آمیخته به معنویت و خداجویی می‌یابند و زندگی منهای خدا را تکرار بی‌روح لحظه‌ها و هفته‌ها می‌دانند. نوجوان باید سروری ریشه دوانده در اعماق تاریخ و در فرهنگ ریشه‌دار «خویشتن» باشد، نه گیاه هرزه‌ای در مزبله «بیگانگان». دوران نوجوانی دوره‌ای مملو از کنجکاو و میل به تفکر درباره رموز موفقیت و کسب سعادت است. بی‌اهمیتی به حق خدا و سبک گرفتن امر و نهی الهی، اعراض از یاد او، ترک شکر نعمت‌های الهی، ترک مجالست با علما، هم‌نشینی با اهل بطالت و غفلت و لهو و لعب، همه از موانع کسب درجات معنوی و فیوضات حقیقی است (جعفری‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۶).

به علاوه، نوجوانی دوران شکل‌گیری هویت است. در این دوران، نوجوان می‌کوشد بین «خود درونی» و «دنیای بیرونی»، خویش مرزی قائل شود. اریکسون (۱۹۸۶) این دوران را دوران بحرانی نامیده است. بحران هویت واژه‌ای است که اریکسون برای وصف «ناتوانی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد» به کار برده است. جدی‌ترین بحرانی که شخص با آن مواجه می‌شود، در خلال شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد. این بحران به آن جهت جدی است که موفق نبودن در رویارویی با آن، پیامدهای بسیار دارد. شخصی که هویتی شکل گرفته ندارد، طی دوران زندگی بزرگ‌سالی‌اش با مشکلات پرشماری رویارو خواهد شد. اریکسون تأکید می‌کند که برای هر فرد امکان دارد بحران هویت روی دهد و این امر منحصر به دوره نوجوانی یا جوانی نیست. اگر دورانی که نوجوان به دنبال هویت خود و هدفمند کردن زندگی و احساس مفید بودن است به درستی سپری شود و نوجوان در کسب هویتی سالم توفیق یابد، احساس هدفمند بودن زندگی، در او ایجاد خواهد شد و اگر نتواند هویتی سالم را در خود شکل دهد، به احساس تنهایی و از خود بیگانگی دچار می‌شود و این ناشی از شکست او در تعیین نقش اجتماعی خویش است.

دین، به منزله عامل اجتماعی، در شکل‌گیری هویت در طول دوره نوجوانی تأثیر قابل توجهی دارد. اریکسون هشت مرحله برای رشد مطرح می‌کند که پنجمین مرحله از این مراحل با عنوان «هویت‌جویی در مقابل سردرگمی» مربوط به دوران نوجوانی است، اما وی در تمامی هشت مرحله زندگی



نوجوانی دوران شکل‌گیری هویت است. در این دوران، نوجوان می‌کوشد بین «خود درونی» و «دنیای بیرونی»، خویش مرزی قائل شود

خود، نقش مذهب را یادآور می‌شود. مذهب، به اعتقاد وی در گستره تحول تاریخ بشر، مهم‌ترین عامل پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی، یعنی امنیت خاطر آدمی است.

در جوامعی که جهان‌بینی و ایدئولوژی مذهبی ثابت و عمیقی تغذیه‌کننده احساس امنیت درونی افراد است، همگان گرایش پایداری به زندگی و امید به آینده دارند و برای رشد دادن سایر جنبه‌های شخصیت خود و حل دیگر تعارضات می‌کوشند. در جوامعی که اعضای آن‌ها احساس امنیت خویش را از طریق مذهب کسب نمی‌کنند، به اجبار در جست و جوی منبع دیگر برمی‌آیند و چون منابع دیگر سطحی و بدون عمق‌اند، نه تنها از این طریق اغنا نمی‌شوند بلکه به موجودی حیران و سرگردان تبدیل می‌گردند.

اریکسون مذهب را در تحول موفقیت‌آمیز شخصیت مؤثر می‌داند؛ زیرا شیوه‌های سالمی که در هر مرحله از زندگی از فرهنگ ناشئت می‌گیرند، با تأثیرپذیری از مذاهب امکان دارد. به اعتقاد وی آیین‌های مذهبی این تحول را تسهیل می‌کنند (نجفی، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۰).

نقش دین در حل بحران هویت

با قطع نظر از رویکردهای افراطی و تفریطی، نقش‌ها و کارکردهای مثبت ادیان در حل بحران‌های هویت به شکل زیرند:

۱. پاسخ‌گویی و حل مشکل

کارکرد دین در حل بحران از راه حل ریشه‌ای آن و پاسخ‌گویی به پرسش و مشکلات است.

۲. تشویق به استفاده سودمند از اندیشه

دین در بسیاری از مشکلات انسانی و بحران‌های هویتی، با قواعد کلی و عمومی به بهره‌گیری از عقل و اندیشه و معرفت و تجربه بشری توصیه‌شده و مسئولیت یافتن راهکارهای عملی را به خود انسان واگذار می‌کند.

۳. جایگزین‌سازی و مقاومت بخشی

هنگامی که بحران و تعارض در آدمی وجود دارد و پاسخ‌گویی به نیاز یا حل مشکلی ممکن نیست، ایمان دینی و مفاهیم وابسته به آن می‌تواند جلوی فرسودگی و سرگردانی را بگیرد و به او اراده، شجاعت و استواری ببخشد تا بحران هویت در او فروکش کند. مفاهیم دینی مانند صبر، توکل و رضا نشان‌دهنده این محور مهم در سلامت روانی و مهار بحران‌های روحی است (جعفری‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۴۹).

مهم‌ترین دلایل گرایش نوجوانان و جوانان به تربیت دینی

۱. نیاز به خلوت

انسان در خلال فعالیت‌های خود، نیاز به فرصتی برای خلوت با خویشتن دارد تا «خود» را بیابد، توان جدیدی کسب کند و با نشاط و شور بیشتری به زندگی بپردازد. عبادت به «نیاز خلوت» انسان جهت می‌بخشد. چنین خلوت روح بخشی

است که به سایر بخش‌های زندگی انسان، نیرو و انگیزه می‌دهد (شرفی، ۱۳۸۶).

۲. نیاز به ارتباط با جهان هستی

انسان، به‌ویژه جوان علاقه‌مند است نسبت خویش و جهان هستی را بداند. احساس همدلی با جهان بیرون از وجود آدمی، انسان را ارضا می‌کند. در غیر این صورت، احساس غربت و تنهایی، درونش را می‌فشارد. احساس همنوایی با جهان و احساس عبودیت در پیشگاه خداوند، همچون داربست محکمی است که تعادل او را در برابر دنیای پرتلاطم حفظ و برقرار می‌کند (شیرزاد، ۱۳۸۶).

۳. نیاز به تبیین غایت زندگی

جوانان همواره به «چرایی زندگی» می‌اندیشند و این واقعیت را نیز باور دارند که «چگونگی زندگی» از «چرایی زندگی» برمی‌خیزد. در برخی از تعابیر قرآنی، خداوند آدمی را به معامله و تجارتی سودبخش فرا می‌خواند که سود آن را تضمین کرده است. بر مبنای همین رویکرد قرآنی است که جوان به جای عقب‌نشینی از زندگی و نظاره‌گر رویدادها بودن، به حضور فعال در زندگی دعوت می‌شود (شیرزاد، ۱۳۸۶).

۴. نیاز به بینش جدید

جوانان در پی دست یافتن به بینش پویا و جدید به زندگی‌اند و برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. از جمله عواملی که چنین تحولی را در بینش نسل جوان به‌وجود می‌آورد، راز و نیاز با خدا، نیایش با او و احساس رضایت از همدلی با قادر متعال است. دور کیم معتقد است مؤمنی که با خدا راز و نیاز می‌کند، نه تنها به حقایق جدیدی دست می‌یابد بلکه خود را قدرتمند احساس می‌کند. او در درون خود نیروی بیشتری احساس می‌کند و توانایی بیشتری در غلبه بر سختی‌ها و مشکلات دارد. به نظر او عملکرد تسکینی دین، به‌ویژه در ایام نوامیدی، دارای اهمیت بسیار است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «یکی از نشانه‌های افراد با ایمان آن است که خدا در نظرشان بزرگ و عظیم و آنچه غیر خداست، در نظرشان کوچک و حقیر است».

۵. نیاز به خویشتن‌داری

بردباری و تحمل مشکلات زندگی، به خصوص مشکلات ناشی از این دوران از ویژگی‌های مهم اخلاقی است و توجه به خدا و توصیه‌های دینی در این باره می‌تواند بسیار مؤثر باشد. آدمی باید مراقبت نماید تا خواست‌ها و تمایلاتش به شهوت مبدل نشود. مرتبی می‌تواند از طریق پرورش گرایش‌های دینی، همچون اعتقاد و عشق به خداوند و نیز احترام و لزوم تبعیت از احکام الهی، مرتبی را از انجام دادن اعمال زشت بازدارد.

«کانت» درباره‌ی خویشتن‌داری چنین می‌گوید: «انسان باید یاد بگیرد که از آنچه بر او حرام است دوری جوید. تحمل،

عبارت از صبر پیشه کردن و خو کردن به آن است. برای آنکه بتوان عادت‌های را کنار گذارد، شجاعت و آمادگی روحی لازم است. «روسو» معتقد است شهوات زایدۀ اراده‌ی خداوند، و فی نفسه خوب است؛ زیرا به حفظ فرد و نوع کمک می‌کند، اما جوان باید یاد بگیرد که بر خود مسلط شود. به نظر او برای مبارزه با شهوات تنها از راه عقل نمی‌توان موفق شد بلکه سرکوبی تمایلات باید به مدد تمایلات صورت پذیرد. وی در کتاب امیل می‌نویسد: «آنچه از دست آفریدگار جهان خارج می‌شود خوب است اما چون به دست بشر می‌رسد از مسیر طبیعی خود خارج می‌شود و راه ناصواب می‌پیماید (شیرزاد، ۱۳۸۶).

پیشگیری از مشکلات مذهبی نوجوانان

برای کاستن از مشکلات مذهبی نوجوانان و جوانان، اولیای خانواده و مدرسه باید با هم تلاش کنند؛ زیرا فعالیت هر یک بدون همکاری دیگری کم‌ثمر می‌شود. بر این اساس و برای کم کردن میزان مشکلات، توجه به موارد زیر توصیه می‌شود:

۱. نقش روابط والدین در خانواده: نظر به اینکه رشد فرزند در خانواده شروع می‌شود و همگام با رشد، تربیت صورت می‌گیرد، در این مسیر بهترین الگوی او بزرگ‌ترهای خانواده هستند. چنانچه والدین رفتارهای منطقی، صحیح، سنجیده و علمی، براساس عاطفه و محبت با یکدیگر، داشته باشند سرمشق خوبی برای فرزندان خواهند بود.

۲. نقش وجود تکیه‌گاه مطمئن: نوجوانان در این سنین به تکیه‌گاه نیرومند و قوی نیاز دارند تا بتوانند در هنگام بروز حوادث به آن پناه ببرند و از او کمک بگیرند و به اتکالی آن آرام و مطمئن زندگی کنند. چنانچه این تکیه‌گاه و پناهگاه، والدین، مربیان، دوستان، سیاستمداران و حتی بزرگان دینی باشند، با حذف این گونه افراد یا سقوط آن‌ها نوجوان نیز سقوط خواهد کرد. بنابراین، القا کردن این موضوع که تنها تکیه‌گاه قوی، خداوند قادر است مانع از آن می‌شود که نوجوان خود را در زندگی ضعیف احساس کند و بر میزان اعتماد به نفسش افزوده می‌شود. با به‌وجود آمدن اعتماد به نفس قوی در نوجوان یا جوان وی در مصیبت‌ها، حوادث ناگوار و حتی هنگام رسیدن به چهارراه و بزرگراه زندگی بهتر می‌تواند مقاومت کند و قادر است تصمیمات مناسبی بگیرد.

۳. نقش مربیان مدرسه: مربیان در مدرسه نقش مهمی در تثبیت اعتقادات مذهبی صحیح و جهت‌دهی نوجوانان و جوانان در پیروی از اصول مذهبی و اخلاقیات پسندیده ایفا می‌کنند. روابط آموزشی-مذهبی باید بر اساس انس و الفت، دوستی و محبت، اطلاع و آگاهی و استدلال منطقی صورت گیرد. عقاید مذهبی باید منظم، هدف‌دار، هماهنگ و هدایت‌کننده و قابل اجرا عرضه شود تا زمینه را برای اختلاف، تضاد و درگیری فراهم نسازد.

۴. نقش دوستان: دوستان نوجوان نیز نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار اجتماعی او دارند؛ زیرا تجربه نشان داده است که بر اثر هم‌نشینی‌های اشتباه، فرد سقوط می‌کند.

چنانچه والدین رفتارهای منطقی،

صحیح، سنجیده

و علمی، براساس

عاطفه و محبت با

یکدیگر، داشته

باشند سرمشق

خوبی برای فرزندان

خواهند بود





۵. نقش تعدیل در تلاش‌های مذهبی: اسلام همچنان که در همه امور زندگی رعایت حد اعتدال را جایز می‌شمرد، در مورد به‌جای آوردن امور مذهبی نیز حد اعتدال را پسندیده می‌داند و هرگونه افراط در آن را خطرناک ارزیابی می‌کند.

۶. نقش پر کردن اوقات فراغت: فراغت زیاد باعث تباهی و فساد می‌شود. در برنامه‌ریزی برای پر کردن اوقات نوجوان و جوان نباید به مسائل بیهوده و زاید پرداخت. برنامه‌ریزی باید طوری باشد که رشد جسمی، اجتماعی، عاطفی و دینی نوجوانان و جوانان را تأمین کند.

۷. نقش توبه: اسلام راه بازگشت را برای همه متخلفان باز گذاشته است. به گونه‌ای که انسان‌ها در هر لحظه‌ای که از کار بد خود مطلع شوند، می‌توانند آن را به طور جدی ترک کنند و خداوند هم بخشنده بدی‌هاست. از نظر روان‌شناسی، جوانی که اشتباهی مرتکب می‌شود، آثاری از خاطرات تربیتی در ضمیر او باقی می‌ماند. لذا باید فرد با تصمیم و اراده جدی آن‌ها را از اثر ببندارد و به فراموشی بسپارد تا بتوانند آماده پذیرش صفات پسندیده شود. در دوره کودکی ممکن است انسان به دلیل تشخیص ندادن و نداشتن رشد عقلی مرتکب اشتباهاتی شود اما هنگامی که به شکوفایی عقل می‌رسیم و تشخیص خوب و بد برای ما روشن می‌شود، باید از کارهای بد و عوارض سوء آن‌ها بپرهیزیم (اکبری، ۱۳۸۷: ۳۶۰-۳۵۸).

پی‌نوشت

۱. در مقاله حاضر در مواردی لفظ دین در معنای عام که بعضاً شامل آیین‌های غیروحیانی هم می‌شود و همچنین شامل همه ادیان به کار رفته است. بنابراین چنانچه نسبت کارکرد منفی به دین داده شده است، مراد نویسنده، ادیان تحریف شده و آیین‌های غیروحیانی بوده است.

دفتر مجله

منابع

قرآن کریم

۱. احمدی، س؛ اصول و روش‌های تربیت در اسلام، چاپ پنجم، اصفهان؛ انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.
۲. اعتباریان، ع؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی اصفهان، ۱۳۸۱.
۳. اکبری، ا؛ مشکلات نوجوانی و جوانی، چاپ چهارم، تهران؛ انتشارات رشد و توسعه، ۱۳۸۷.
۴. باقری، خ؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران؛ انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
۵. تصدیقی، ف، تصدیقی، م؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی ایران، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر (مقالات برگزیده)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.
۶. جعفری، ز؛ صحبت‌لو، ع؛ بررسی نقش و جایگاه تربیت دینی مدارس در برون‌رفت دانش‌آموزان از بحران‌های مطرح در قرن بیست و یکم، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.



روابط آموزشی

– مذهبی باید بر اساس انس و الفت، دوستی و محبت، اطلاع و آگاهی و استدلال منطقی صورت گیرد. عقاید مذهبی باید منظم، هدف‌دار، هماهنگ و هدایت‌کننده و قابل اجرا عرضه شود تا زمینه را برای اختلاف، تضاد و درگیری فراهم نسازد

۷. جعفری‌نیا، م؛ نوجوان من و همه دنیای او؛ بررسی تحلیلی روان‌شناختی نوجوان در عرصه‌های مختلف زندگی: ویژگی‌ها، نیازها، واکنش‌ها و هیجانات؛ هویت و... چاپ هشتم، قم؛ انتشارات دانش و سلامت، ۱۳۸۹.
۸. داوودی، م؛ تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.
۹. ساجدی، ا؛ دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه‌سان؟ چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶.
۱۰. سادتی، ع؛ آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی نسل نو، خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت، تهران، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.
۱۱. سعادت‌مند، ز؛ دوازده رهنمود تربیتی برای اولیا و مربیان، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات قاصد سحر، ۱۳۸۴.
۱۲. شرفی، م؛ دنیای نوجوان، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات منادی تربیت، ۱۳۸۶.
۱۳. شیرزاد، ف؛ روان‌شناسی تربیت دینی کودک و نوجوان، چاپ اول، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۶.
۱۴. کریمی، ع؛ دین‌دهی یا دین‌یابی! تربیت اسلامی (ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی)، تهران، مرکز مطالعات اسلامی، تابستان، ۱۳۸۰.
۱۵. کریمی، ع؛ تعلیم و تربیت به کجا می‌رود؟ از ناکجا به هر کجا، چاپ سوم، تهران، انتشارات عابد، ۱۳۸۸.
۱۶. کیومرثی، غ؛ مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
۱۷. نجفی، م؛ نقش دین در حل بحران هویت نوجوانان، ماهنامه رشد معلم، ۸، ۱۳۸۴.
۱۸. همت‌بناری، ع؛ نگاهی به عوامل آسیب‌زای تربیت دینی نوجوانان و جوانان، مجموعه مقالات تربیت اسلامی ۶ (ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی)، چاپ اول، تهران؛ تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.

